



با لئوناردو شاشا در سینما برای تماشای تودو مودو

آفرین پتری! فیلم تو یک فیلم به سبک پازولینی است

نوشته‌ی آلبرتو استابیله

برگردان مهدی فتوحی



fold-era.com

با لئوناردو شاشا در سینما برای تماشای تودو مودو^۱
آفرین پتری! فیلم تو یک فیلم به سبک پازولینی است.
نوشته‌ی آلبرتو استابیله
برگردان مهدی فتوحی

پالرمو: لئوناردو شاشا^۲ چند دقیقه پس از تماشای تودو مودوی الیو پتری می‌گوید: فیلم نوعی ابهام انجیلی/کاتولیکی دارد و آخرالزمان حزب دموکرات مسیحی است. در واقع می‌توانیم با واژه‌های مذهبی چنین بگوییم که حزب دموکرات مسیحی مرتکب گناہانی علیه روح خود شده است.

وقتی نویسنده‌ی سیسیلی این داوری را درباره‌ی فیلمی که از آخرین رمانش اقتباس شده ابراز می‌کند ما داریم از پله‌های آستوریا بالا می‌رویم که مرکز سینمایی پالرمو است. جایی که سه روز است در آن فیلم پتری نمایش داده می‌شود. او به من قول داده بود که با هم برویم فیلم را ببینیم و مثل همیشه خوش قول بود و سر قولش ماند. در چنین شرایطی قابل درک است که نمایش نخست عصرانه در یک روز غیرتعطیل فقط چند ده نفر تماشاچی داشته باشد. آن هم در مکانی که فقط در پایان هفته ای که به تازگی گذشت هزاران نفر را که جلوی باجه صف بسته بودند به خود دیده که از دو سو، هم جذب بازیگران و هم جذب فیلمی درباره‌ی قدرتمردان و افولشان شده بودند.

ساعت ۱۶ دوشنبه سوم ماه مه است. جلوی در شیشه‌ای هنوز بسته‌ی سینما لئوناردو شاشا نگران است. "به من گفته‌اند فیلم خسته‌کننده است، شما قبلاً دیده‌ایدش؟ به من بگویید نظرتان چیست؟" و این ناراحتی او به نظرم بیشتر نسبت به پتری کارگردان است که دوست اوست تا نسبت به اثرش.

شاشا ادامه می‌دهد: "بستگی دارد به من. چون من هرگز به تماشای آثاری که از نوشته‌هایم اقتباس شده‌اند نمی‌روم و در این باره با مورایوای توافق دارم. هیچ چیزی برای ادعای خسارت نیست. کتاب که منتشر شد دیگر آنجا در اختیار همه است." به هر حال خوب هم هست اگر مثل یک کتابچه مورد استفاده قرار گیرد همانطور که غالباً در سینما رخ می‌دهد. جایی که تقریباً همه‌ی رمان‌هایش در آن ترجمه و بازبینی شده‌اند. همانطور که دقیقاً همین روزها دارد در تئاتر درباره‌ی آنها رخ می‌دهد. از این نظرگاه او با کمی شرم و خجلت اعتراف می‌کند: "ولی امروز به نحو خاصی سنگین است." می‌گوید: "چون امشب باید بروم مجمع مصر را هم که گیگو دکیارا از آن برای تئاتر ایستای کاتانیا اقتباس کرده ببینم."

هر کسی شاشا را از نزدیک بشناسد اذعان می‌کند که او نسبت به سینما یک نقطه‌ی سخت مخالفت و بیزارگونه دارد. می‌گوید: "مقاومت، نه نسبت به سینما، بلکه نسبت به مکان‌های سینمایی و در کل مکان‌های بسته. توجه داشته باشید که پیش از تماشای فیلم اجساد عالی جنابان رزی بیش از دو سال بود سینما نمی‌رفتم."

ولی تودو مودو را که اینهمه درباره‌اش سخن گفته شده نمی‌توان از قلم انداخت. اول جدل‌ها بود و فشارهایی برای نساختنش و نشان‌ندادنش. حال سرو صداها و قضاوت‌های مغایر هم؛ و این حتا کنجکاوای او را هم برانگیخته.

(آتش به آتش سیگار)

^۱ Todo modo (Elio Petri, ۱۹۷۶)

^۲ Leonardo Sciascia



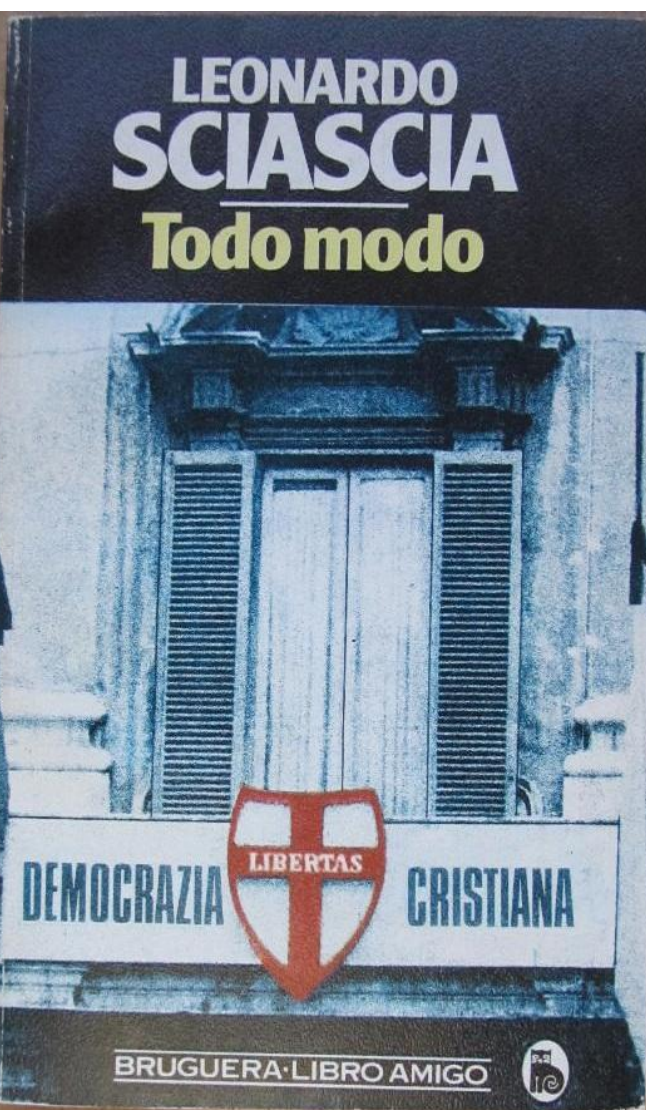
مارچلو ماستریانی و جیان ماریا ولوتته در نمایی از تودو مودو، ساخته‌ی الیو پتری، ۱۹۷۶

در وسط یک ردیف مرکزی تالاری جای می‌گیریم که گرچه یکی از مشهورترین و پرآمدو‌شده‌ترین تالارهای شهر است ولی شاشا هرگز قدم به آنجا نگذاشته. همسرش و یک دوست خانوادگی‌شان که وکیل است همراهش هستند. کنار هم نشسته‌ایم و من می‌توانم کوچکترین حرکات او را زیر نظر بگیرم و تنشی که در نتیجه‌ی تصاویر در او رشد می‌کند خود را به صورت آتش به آتش سیگار روشن کردن نشان می‌دهد.

شاشا وقتی رئیس‌جمهور (ولوتته) که خیلی شبیه آلدو مورو است به هتل عزلتگاه ظفر وارد می‌شود لبخند می‌زند. باز هم البته خواهد خندید به خاطر کاریکاتور سیاستمداران دیگری (نظیر آندره اوئی) در شخصیت‌های فیلم. ولی از پیرنگ، از شخصیت‌ها، از معنا و خلاصه از تودو مودوی او هر ردی محو شده است. البته بدون هیچ تاسفی از آن بابت.

این را در آنراکت می‌گوید: "جمله‌ای که در عناوین فیلم ظاهر می‌شود که برداشتی آزاد از کتاب اوست... کتباً اجازه گرفته شده. من فیلم را با مسرت و دلکندگی مطلق از رمانم پی می‌گیرم و به نظرم اصلاً ملال‌انگیز و سنگین نیست."

تصاویر هولناک مجموعه‌ی گروتسکِ بازی "شکارِ عروسکِ دلک" ^[۱] روی صفحه جریان می‌یابند. می‌توان دید که شاشا به آنچه در تالار رخ می‌دهد نیز دقت می‌کند. به تفسیر زیر لبی مخاطبی که می‌خندد و لغزی را برجسته می‌کند که در درگیری میان چهره‌های سرشناس رد و بدل شده یعنی "بازی معمول جریان‌ها." و به خبرنگار می‌گوید که "در مجموع شخصیت‌پردازی ولوتته که خیلی‌ها آن را استثنایی توصیف کردند شر نیست. بلکه به مردم اجازه‌ی ورود به این بعد از بازی را می‌دهد. یعنی به مولفه‌های ناگزیر درام که اجرا می‌شود."



ولی مسیر کنش‌ورزی‌ها از کجاست؟ او بلافاصله می‌گوید: "بدیهی است که از بازی ائتلاف‌ها و آشتی و رفع و رجوع کردن‌ها، خیانت‌ها و بعد ترس همگانی، هیستری و وحشت؛" شاشا می‌گوید: "پتری بیشتر از یک مجمع دموکرات مسیحیان الهام گرفته تا یک ارجاع به تمرینات روحی."

مولف اثر می‌گوید: "حتا صحنه‌ی مشهور تسبیح، به نسبت مجموعه‌ی ساز و کار نیایش گروهی که با جزییات و وفادارانه در رمان توصیف شده فقط یک طرح است."

پس از رمان تودو مودو در این ترجمه‌ی آزاد سینمایی چه به جا می‌ماند؟ "از کتاب بی‌شک برخی آثار و بعضی نام‌ها مانده است. البته لغز خیلی طولانی فیلم از آن من نیست. بلکه از پس‌تودو دیونجی است و در مقدمه‌ی کتاب من ظاهر می‌شود. فیلم و کتاب دو اثر متفاوتند." آیا پیام‌های مربوط به آنها متفاوت است یا این فقط یک مسأله‌ی تفسیری است؟

"پتری قطعاً و کاملاً به جا فیلمی ساخته علیه دموکرات مسیحیان. من به کلیسا ارجاع می‌دهم و نیز به خودم."

(ملک‌الموت)

مکالمه‌ی ما دیگر در بیرون ادامه می‌یابد. در خیابان‌های شهر و در فاصله‌ی از سینما تا ماشین. اضطراب آغازین نویسنده که متأثر از برخی قضاوت‌های منفی بود آشکارا رفع شده. "فیلم خوبی است و اتفاقاً در این موقعیت پیش از انتخابات قدرتی استثنایی می‌یابد. همه‌ی این‌ها جریان نوعی خشم متافیزیکی است که به واسطه‌ی آن پرولتاریای دادخواه بدل می‌شود به نوعی ملک‌الموت یا

به عکس." بی‌شک کسی که این تأثیر را گذاشته فرانکو چیتی است که یکی از شخصیت‌های پازولینی است.

این یک اشاره‌ی مهم است و همه می‌دانند ارجی که شاشا به پازولینی می‌گذارد چقدر والا است.

"در مجموع می‌توانیم بگوییم که تودو مودو یک فیلم پازولینی‌وار است. در آن معنا که دادگاهی را که پازولینی می‌خواست و نتوانست برای طبقه‌ی حاکم دموکرات مسیحی امروز به پا کند پتری ساخته. دادگاهی به سان مراسم اعدام."



[۱] نوعی بازی در پارک‌ها که در آن به عروسک دلقک تیراندازی می‌کنند - م.ف.

عکس بالا؛ لئوناردو شاشا (۱۹۲۱-۱۹۸۹)
در حال نوشتن در اتاق کارش؛ عکس
پایین؛ شاشا و پازولینی.



امرداد ۱۴۰۴



fold-era.com